

حوادث سال دوم هجرت

تبدیل قبله - مقدمات جنگ بدر

هنوز چند ماه از هجرت پیامبر اسلام به مدینه نگذشته بود؛ که زمزمه مخالفت از ناحیه یهود بلند شد درست در هفتمین ماه هجرت دستور مؤکد آمد که قبله مسلمانان از این بیعدکبه است، و در اوقات نماز باید متوجه مسجد الحرام گردند.

مشروح جریان: پیامبر اکرم سیزده سال تمام در مکه به بیت المقدس نماز میخواند و پس از مهاجرت به مدینه، دستور الهی این بود که بوضع سابق از نظر قبله ادامه دهد و قبله ای که یهودان بان نماز میگزاردند؛ مسلمانان نیز بان طرف نماز بگردانند و این خود عملا یک نوع همکاری و نزدیک کردن دو آئین قدیم و جدید بود؛ ولی رشد و ترقی مسلمانان باعث شد که خوف و ترس محافل یهود را فرا گیرد زیرا ترقیات روز افزون آنها نشان میداد؛ که آئین اسلام سراسر شبهه جزیره را در اندک مدتی خواهد گرفت و موجودیت یهود را در خود هضم خواهد کرد از این نظر شروع بکار شکنی کردند و از راههای گوناگونی مسلمانان و رهبر عالیقدر آنها را آزار میدادند از آن جمله مسأله نماز گزاردن به بیت المقدس را پیش کشیدند و گفتند:

«محمد» مدعی است که دارای آئین مستقلی است، و آئین و شریعت او ناسخ آئینهای گذشته است در صورتی که او هنوز قبله مستقلی ندارد، و قبله جامعه یهود نماز میگزارد.

استماع این خبر برای پیامبر گران آمد نیمه شبها از خانه بیرون میآمد به آسمان نگاه میکرد، در انتظار نزول وحی بود، که دستوری در این باره نازل گردد، چنانکه آیه زیر این مطلب را حکایت میکند: **قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضاها** (بقره - ۱۴۴) نگاه های معنا دار ترا با آسمان می بینیم ترا بسوی قبله ای که رضایت تو را جلب کند میگردانیم.

از آیات قرآن استفاده میشود، که تبدیل قبله علاوه بر اعتراض یهود؛ جهت دیگری نیز

داشته است و آن اینکه این مسأله جنبه‌ی امتحانی داشته و مقصود این بود که مؤمن واقعی و حقیقی از مدعیان ایمان که در ادعای خود کاذب بودند تمیز داده شود ، و پیامبر این افراد را خوب بشناسد . زیرا پیروی از فرمان دوم که در حالت نماز متوجه مسجد الحرام کردند ؛ نشانه‌ی ایمان و اخلاص بود ، و سرپیچی و توقف علامت دودلی و نفاق ، چنانکه خود قرآن صریحاً این مطلب را می‌فرماید :

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه وان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله (بقره - ۱۴۳)

: تغییر قبله از آن طرفی که بر آن نماز می‌گزاردید برای این بود تا موافق راز ، خفاف تمیز دهیم و این کار برای غیر آن‌هایی که خداوند آن‌ها را هدایت کرده است کار پر مشقتی بود البته از تواریخ اسلام و مطالعه اوضاع شبه جزیره عسل دیگری نیز بدست می‌آید .

اولا : کعبه که بدست قهرمان توحید حضرت ابراهیم (ع) ساخته شده بود ، مورد تعظیم جامعه‌ی عرب بود قبله قرار دادن چنین نقطه‌ی موجبات رضایت عموم اعراب را فراهم میساخت ؛ و آن‌ها را برای پذیرفتن آئین اسلام و دین توحید راغب مینمود و هیچ هدفی بالاتراز آن نبود که مشرکان سرسخت و لجوج و اما نده از قافله تمدن ؛ ایمان آورند و بوسیله آن‌ها آئین اسلام در سرتاسر نقاط جهان منتشر گردد .

ثانیا : فاصله‌گیری از یهود آن روز که هیچ امیدی بایمان آوردن آن‌ها نبود ؛ و هر ساعت کارشکنی می‌کردند و بپیش کشیدن سؤالات پیچیده وقت پیامبر را گرفته ، و بگمان خود ابراز اطلاع و دانش می‌کردند ، لازم بود ، و تبدیل قبله یکی از مظاهر فاصله‌گیری ، و دوری از یهود بشمار میرفت چنانچه نسخ روزه روز عاشورا بهمین منظور بود . یهود پیش از اسلام روز عاشورا روزه می‌گرفتند ، پیامبر و مسلمانان مأور بودند که آن روز را نیز روزه بگیرند ، سپس فرمان روزه عاشورا منسوخ شد و روزه گرفتن در ماه رمضان واجب و لازم اعلام گردید .

بالاخره اسلامی که از هر نظر برتری دارد باید طوری جلوه کند ، که نقاط تکامل و برتری آن روشن و بارز باشد .

با در نظر گرفتن این جهات در حالیکه پیامبر دورگمت از نماز ظهر خوانده بود امین وحی فرود آمد ، و پیامبر را مأور کرد که بسوی مسجد الحرام متوجه گردد ؛ و در برخی از روایات چنین است : دست پیامبر را گرفته متوجه مسجد الحرام نمود ، زنان و مردانی که در مسجد بودند از او پیروی کرده و از آن روز کعبه ، قبله مستقل مسلمانان اعلام گردید .

یکت کرامت علمی از پیامبر

طبق محاسبات دانشمندان هیئت‌دان سابق، عرض جغرافیائی مدینه ۲۵ درجه و طول آن ۷۵ درجه و ۲۰ دقیقه بوده است مطابق این محاسبه قبله‌هایی که در مدینه استخراج میشد با محراب پیامبر که تا کنون بهمان وضع سابق مانده است تطبیق نمی‌نمود؛ این گونه اختلاف باعث تحریر عده‌ای از اهل فن شده بود و گاهی هم توجیهاتی برای رفع اختلاف مینمودند. ولی اخیراً دانشمند معروف سردار کابلی روی مقیاسهای امروزی اثبات کرده عرض مدینه ۲۴ درجه و ۵۷ دقیقه و طول آن ۳۹ درجه و ۵۹ دقیقه است.

نتیجه این محاسبه این شد قبله مدینه ۴ درجه از نقطه جنوب انحراف دارد و این استخراج درست با محراب پیامبر بدون کم و زیادا تطبیق دارد، و این خود یکت کرامت علمی است که در آن روز بانبودن کوچکترین وسائل علمی؛ بلکه بدون محاسبه در حالت نماز، چنان از بیت المقدس متوجه کعبه گردیده که جزئی انحرافی حتی بخشودنی نیز در توجه او بکعبه پدید نیامده. و چنانکه گفته شد امین وحی دست او را گرفت و متوجه کعبه نمود.

مقدمت جنگ بدر

از نبردهای بزرگ و نمایان اسلام جنگ بدر است و کسانی که در این جبهه شرکت کرده بودند، بعدها امتیاز مخصوصی میان مسلمانان پیدا نمودند و در هر واقعه‌ای که یکی دو یا چند نفر از مجاهدین بدر شرکت مینمود و یا شهادت میدادند؛ میگفتند: چند نفر از بدریها با ما موافق هستند؛ و در شرح زندگانی اصحاب پیامبر کسانی را که در وقعه بدر شرکت نموده اند «بدری» مینامند و علت این اهمیت از تشریح این حادثه بدست می‌آید.

در شماره هشتم ص ۱۵ گفته شد در نیمه جمادی الاولی سال دوم گزارشی بمدینه رسید که کاروان قریش بسرپرستی «ابوسفیان» از مکه بشام میرود، و پیامبر برای تعقیب کاروان تا «ذات العشره» رفت و تا اوائل ماه دیگر، در آن نقطه توقف کرد، ولی دست بکاروان نیافت. وقت مراجعت کاروان تقریباً در دست بود، زیرا اوائل پائیز کاروان قریش از شام به مکه باز میگشت.

در تمام نبردها کسب اطلاعات نخستین قدم پیروزی است، تا فرمانده لشکر از استعداد دشمن و نقطه تمرکز آنها و روحیه جنگجویان آگاه نباشد چه بسا ممکن است در اولین بار محکوم بقنا و زوال گردد.

از روشهای ستوده پیامبر اسلام در تمام نبردها که شرح آن‌ها را خواهید خواند، کسب

اطلاعات از اندازه استعداد دشمن و محل او بود و تا امروز مسأله کسب اطلاعات در نبردهای جهانی و محلی موقعیت مهمی را دارد .

بنابنقل مرحوم مجلسی در بحار ج ۱۶ ص ۲۱۷ رسول خدا «عدی ، و بنا بنقل مؤلف «حیات محمد» از کتابهای تاریخ «طلحة بن عبیدالله» و «سعید بن زید» را برای کسب اطلاعات از خط مسیر کاروان و تعداد نفراتی که حفاظت کاروان را به عهده دارند و جنسی را که حمل میکنند اعزام نمود . اطلاعات واصله بقرار زیر بود :

- ۱ - کاروان بزرگی است که تمام اهل مکه در آن شرکت دارند .
- ۲ - سرپرست کاروان « ابوسفیان » و در حدود چهار نفر پاسبانی آن را به عهده دارند .
- ۳ - هزار شتر مال التجاره را حمل می کند ، ارزش کالاها حدود پنجاه هزار دینار است از آنجا که ثروت مسلمانان مهاجر از مکه به مدینه از طرف قریش مصادره شده بود ، بسیار به موقع بود ، که مسلمانان کالا های تجارتي آن ها را ضبط کنند ، واگر « قریش » بر عناد و لجاجت خود در مصادره اموال مسلمانان مهاجر استقامت ورزند ؛ مسلمانان متقابلا کالاهای تجارتي را میان خود بنوع غنیمت جنگی تصرف کنند . لذا - رسول خدا رو با صاحب خود کرد و فرمود : «هنده عیر قریش فیها اموالهم فاخر جوا الیها لعل الله ینفلکموها» : هانای مردم این کاروان قریش است ؛ برای تصرف اموال قریش از مدینه بیرون بروید شاید گشایشی در کار شما رخ دهد .
- از این لحاظ پیامبر اکرم با سیصد و سیزده نفر از مدینه بیرون آمد و تالب چاه « بدر » توقف کردند .

ابوسفیان موقع رفتن به شام متوجه شده بود ؛ که پیامبر در تعقیب کاروان او است . از این نظر هنگام مراجعت احتیاطا راز دست نداد ، و از کاروانها سراغ می گرفت که آیا خطوط تجارتي را محمد اشغال کرده است ؛ تا اینکه با و گزارش رسید که رسول خدا با اصحاب خود از مدینه بیرون آمده و در تعقیب کاروان قریش است .

«ابوسفیان» از پیشروی خودداری کرد ، چاره جز این ندید که قریش را از سر نوشت . کاروان آگاه سازد ؛ شتر سوار تند روی را بنام « **ضمضم بن عمرو غفاری** » اجیر کرد و دستور داد ؛ خود را به مکه برساند و دلاوران قریش و صاحبان کالاها را خبر کند و برای نجات کاروان از حمله مسلمانان از مکه بیرون آیند .

«ضمضم» سر یانه خود را به مکه رساند و بفرمان ابوسفیان گوشهای شتر خود را برید و

بینی آن را شکافت و جهازش را برگردانید و پیراهن خود را از جلو و عقب چاک زد و بر روی شتر ایستاد فریاد زد : اللطیمة اللطیمة اموالکم مع ابی سفیان قد عرض لها محمد فی اصحابه لاری ان تدرکوها ، الغوث الغوث : مردم !!! شترانی که عامل نافهٔ مشکند در خطرند ، محمد و یاران او در صدمه صادره کالاهای شما هستند گمان نمیکنم بدست شما برسد ، بفریاد برسید ایاری کنید ! .

وضع رقبه بارشتر ، که قطرات خون از گوش و دماغ او می چکید ، حالتی که ضمیمه باشکافتن پیراهن ؛ و ناله های دلخراش و استمدادهای بیپایی بوجود آورده بود خون های مردم مکه را بجوش آورد ، و تمام دلاوران و جنگجویان و نبرد طلبان آماده خروج شدند ، جز ابولهب که در این نبرد شرکت نکرد و بجای خود « عاص بن هشام » را به چهار هزار درهم اجیر کرد که از جانب او در این نبرد شرکت کند .

امیه بن خلف که از بزرگان قریش بود ، روی عللی نمیخواست در این جنگ شرکت کند ؛ و برای او نقل کرده بودند که محمد میگوید : امیه بدست مسلمانان کشته خواهد شد ؛ سران جمعیت دیدند که تخلف چنین شخصیتی بطور مسلم بضرر قریش تمام خواهد گردید ؛ روزی که او در مسجد الحرام میان گروهی نشسته بود ، دو نفر از قریشیان که از داوطلبان نبرد با محمد بودند ؛ سینی و سرمه دانی بدست گرفته پیش روی او قرار دادند و گفتند امیه ؛ اکنون که از دفاع از مرز بوم ؛ از ثروت و تجارت سر بر تافتید ، و پسان زنان گوشه گیری و تخلف را بر نبرد در صحنه جنگ اختیار نمودید ، پس جای آن دارم آنند زنان سرمه بکشی و نام ترا از ردیف نامهای مردان دلاور بیرون آورند .

این صحنه چنان امیه را تحریک کرد که بی اختیار لوازم سفر خود را برداشت و با قافله قریش برای نجات کاروان برافزاد .

مشکلی که قریش با آن رو بر شدند .

با وسائل مخصوصی ساعت حرکت اعلام شد ، ولی سران قریش متوجه شدند که دشمن سرسختی مانند قبیله بنی بکر دارند . چه بسا ممکن است آن ها از قه ابریزند و دشمنی بنی بکر با قریش روی یک خون ریزی بود که ابن هشام تفصیل آن را در ج ۲ ص ۲۴۸ و ۲۴۹ نوشته است در این هنگام «سراقة بن مالک» از اشراف بنی کنانه که تیره ای از بنی بکر است بآن ها اطمینان داد ، که هرگز چنین حادثه ای رخ نخواهد داد ، و قریش با اطمینان کامل از مکه بیرون آمدند . بخواست خداوند در شماره آینده کیفیت بیرون آمدن پیامبر از مدینه و طرز ملاقات این دو سپاه مشروحاً بیان خواهد شد .